

عنوان مقاله:

شهید ثانی و زندگی در دولت جائز

محل انتشار:

فصلنامه علوم سیاسی، دوره 1، شماره 4 (سال: 1378)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسنده:

سید محمد رضا موسویان - آقای سید محمد رضا موسویان

خلاصه مقاله:

فقیه جامع شرایط در عصر غیبت، نیابت از امام معصوم را دارا بوده و تا آنجایی که همسوطالید و قادر به تصرف حکومتی باشد، بایستی اقدام به تصمیمگیری و عمل بر طبقین نیابت نموده و مقام زعامت سیاسی اجتماعی خود را به منصف بروز و ظهور برساند و مردم نیز وظیفه حمایت و مساعدت از اقدامات او را بر عهده دارند. حال اگر این فقیه نتوانست اقدامات و تصرفات حکومتی انجام دهد، باید تلاش کند که اسلام را حفظ کرده و شیعیان را از گزند سلاطین جور نجات و رهایی بخشد؛ اگرچه این عمل منوط و متوقف بر وارد شدن در دستگاه حکومتی جائز باشد. اما باید این نکته مورد توجه قرارگیرد که یک عالم و دانشمند دینی و نایب امام معصوم هرگز نباید به خود اجازه دهد که درمقابل شاهان و سلاطین، احساس ذلت کرده و رفتار خاضعانه‌ای در برابر آنان از خود نشاندهد؛ بلکه باید دارای عزت نفس بوده و به خاطر منافع دنیوی به آنان نزدیک نگردد. شهید ثانی هر فقیه و دانشمند دینی را که برای دنیاطلبی به سلطان و پادشاه جائزینزدیک گردد، خائن به امانت الهی دانسته و به لحاظ عملی و تجربه تاریخی هم ادعا دارد که اکثر اینها نتوانسته‌اند به اهداف خود دست یابند و به دلیل ذلت نزد سلطان، شخصیتو هویت اصلیشان لگدکوب گردیده و دیگر همانند آن عالمان با عزت نمیباشند اگرچه به برخی اهداف دنیوی پست خود دست یافته‌اند. «الخامس، ان یكون عقیف النفسعالی الهمه، منقبضا عن الملوك و اهل الدنیا لایدخل طمعا... فمن فعل ذلک فقد عرض نفسه و خانامانته». (شهید ثانی در تحلیل این مطلب به قول برخی از اولیای الهی و ابدال (انسانهای الهیمنحصر به فرد) در پاسخ به سوال بیبرامونعلل افت منزلت علم و علما استناد کرده و نقل میکند: «علت اینکه علم در زمان ما، ارزش خود را از دست داده و شاهان به علم و دانش توجه نمیکنند، در حالی که در زمانهای پیشین، توجه بیشتری به دانش و علما میشده در این است که در زمان گذشته، پادشاهان به خدمت علما میآمدند و متاع دنیای خود را عرضه کرده تا از علم و دانش آنان بهره جویند؛ اما علما به دنیایان بیتوجهی نشان داده و منت آنان را از عهده خویش برداشته‌اند. به همین جهت، دنیا در نظر دنیاطلبان، کوچک و منزلت علم نزد آنان والایی خاصی مییافته است؛ در حالی که در زمان ما (زمان شهید ثانی) علما و دانشمندان رو به پادشاهان آورده و دانش خود را برای نیل به امکانات و منافع دنیوی عرضه کرده و در اختیار میگذارند در این مسیر، از خود حقارت و ذلت نشان میدهند. بنابراین، در چشم حاکمان، دنیا مقامی والا یافته و منزلت علم سیر نزولی پیدا کرده است. سپس شهید ثانی در ادامه تحلیل خویش، از پیامبر اسلام (ص) گفتاری نقل میکند که میفرماید: «الفقهاء امناء الرسل ما لمیدخلوا فی الدنیا، قیل یا رسول الله! و ما دخلهم فی الدنیا؟ قال اتباع السلطان فاذا فعلوا فی ذلک فاحذروهم علی دینکم». پیامبر گرامی اسلام میفرماید: «فقها، امانتداران پیامبران هستند تا زمانی که به دنیاوارد نشده‌اند. از پیامبر (ص) سوال میشود که منظور از ورود آنان به دنیا چیست؟ پاسخ میفرماید: تبعیت و فرمانبری از سلطان و پادشاه، پس هرگاه علما و فقها اقدام به اینتبعیت و پیر ...

کلمات کلیدی:

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1748469>



